

عمل صالح

الموسوم به

شاه جبران نامه

تصنيف

محمد صالح كنبو لاهوري

به تصحيح و تفقيح

غلام يزداني

ناظم محكمة آثار قديمه در رياست حيدر آباد دکن

و ماهر کتبات السنه عربيه و فارسيه در سکار هند

جلد اول

باهتمام ایشیاتک سوسائیتی بنگال

در مطبع پبلسٹ میشن طبع شد

عمل صالح

جلد اول

فهرست مضامین

دیباچه مصحح

صفحه	عنوان
۱	تمهید
۲	احوال مصنف
۹	تاریخ نگارش کتاب
۱۰	ماخذ
۱۳	طرز افشاء
۱۵	نسخ قلمی کتاب
۱۸	علامات و مخففات

متن اصل نسخه

۱	تمهید
۶	ولادت شاهجهان بادشاه غازی و موسوم شدن به سلطان خرم
۱۰	سلسله نسب

(ب)

صفحه	عنوان
۱۱	- احوال نور الدین محمد جهانگیر بادشاه
۱۴	- ذکر جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی
۱۶	- احوال نصیر الدین محمد همایون بادشاه
۱۸	- بیان ظهیر الدین محمد بابر بادشاه غازی
۲۵	- ذکر شاهزاده عمر شیخ میرزا
۲۵	- بیان سلطان ابو سعید میرزا
۲۶	- احوال شاهزاده سلطان محمد میرزا
۲۷	- ذکر شاهزاده میرزا میران شاه
۲۷	- احوال امیر تیمور گورگان
۳۰	- بیان تعلیم شاهزاده خرم
۳۳	- ارتحال اکبر بادشاه و ذکر سوانح که در عرض آن ایام رو داد
۳۷	رو گردان شدن خسرو از اطاعت جهانگیر بادشاه
	بیان عنایات جهانگیر بادشاه در حق سلطان خرم و خواستگاری
۴۲	نواب ممتاز الزمانی بنام یمین الدوله آصف خان
	ذکر خواستگاری صبیحہ مظفر حسین میرزا بجهت شاه بلذد اقبال
۴۶	خرم
	نہضت جهانگیر بادشاه بہ صیدگاہ باری و شمشیر انداختن
۵۰	بادشاهزادہ خرم بر شیر
۵۴	زفاف شاه بلذد اقبال بہ نواب ممتاز الزمانی
۵۸	نہضت جهانگیر بادشاه با شاه بلذد اقبال بصوب اجمیر
	نہضت سلطان خرم بہ تسخیر ولایت رانا امر سنگہ و روزی
۶۷	شدن فتح

صفحه	عنوان
	آغاز سال فہم از سفین جلوس جہانگیری و آذین یافتن انجمن
۷۹	نوروزی سلطان خرم در ولایت رانا
۸۰	ولادت جہان آرا بیگم المختاطب بہ بیگم صاحب
۸۱	تنگ شدن عرصہ پیکار بر رانا بمساعی بادشاہزادہ خرم
	عفو طلبیدن رانا ہوسیلہ شاہ بلند اقبال و ذکر بعضی از مذلہبات
۸۴	این مطلب
	معاودت شاہ بلند اقبال از مہم رانا و دریافت ملازمت جہانگیر
۹۰	بادشاہ در اجمیر
۹۲	ولادت بادشاہزادہ محمد دارا شکوہ
۹۶	ذکر پیدایش شاہزادہ محمد شاہ شجاع
۹۸	توجہ شاہ بلند اقبال بہ تسخیر دکن و یافتن خطاب شاہی
	جشن نوروزی سال دوازدهم جلوس جہانگیری و انتظام یافتن صبیہ
	شاہنواز خان بہ سلک ازدواج شاہ بلند اقبال و اطاعت نمودن
۱۰۳	و پیشکش فرستادن دنیا داران دکن
	معاودت شاہ بلند اقبال بعد از فتح دکن و یافتن خطاب
	شاہجہانی و نصب کرسی طلا بجانب سریر شاہنشہی برای
۱۰۸	جلوس آن بلند اقبال
	توجہ موکب جہانگیری بصوب گجرات با شاہ بلند اقبال شاہجہان
۱۱۳	بعد از فتح دکن
۱۱۸	فتح قلعہ کانگرہ بتدبیر شاہ بلند اقبال
۱۲۴	ولادت سلطان اورنگ زیب

صفحه	عنوان
	وصول موکب سعادت بدار السلطنت فتحپور و انعقاد انجمن
۱۲۶	وزن مبارک شمسی از سال بیست و هشتم شاه بلند اقبال
۱۲۷	ارتحال والدۀ ماجدۀ شاه بلند اقبال
	توجه جهانگیر بادشاه با شاه بلند اقبال بسیر کشمیر و ولادت شاهزادۀ
۱۲۹	امید بخشش
۱۳۳	رفتن شاه بلند اقبال بار دوم بآهنگ تسخیر دکن
	وصول موکب شاه بلند اقبال بکنار رودبار چنبل و آرایش پذیرفتن
	جشن وزن مبارک سال قمری سیمین و یافتن توفیق توبه از
۱۳۷	شراب مسکرات
	وسیلہ انگیزختن عنبر در طلب عفو و پذیرفتن پیشکش کلی
۱۵۵	و تسلیم محال متعلقہ بادشاهی
۱۶۰	ولادت ثریا بانو بیگم
	رسیدن شاه بلند اقبال بعد از انصرام مهم دکن به مندو و فرستادن
۱۶۵	عرضداشت به جهانگیر بادشاه در باب تسخیر قندهار
	روانہ شدن شاه بلند اقبال از برهانپور بارادۀ ملازمت جهانگیر
	بادشاه و شورش مزاج حضرت خلافت مرتبت ازین وجه
۱۶۹	و منجر شدن آخر کار بمکاربه
۱۸۶	ولادت شاهزادۀ محمد مراد بخش در قلعہ رهناس
۱۹۶	پناه آوردن مہابت خان بدرگاہ گیتی پناه
۲۰۲	ارتحال جهانگیر بادشاه
	مقابله سلطان شہریار به بادشاهزادہ داور بخش مشہور به بولاقی
۲۰۹	و غلبہ داور بخش

صفحه	عنوان
۲۱۳	رسیدن بذارسی در مقام جنیر و رسانیدن خبر رحلت حضرت جنت مکانی
۲۱۹	ورود سوکب شاهجهانی بسرحد ملک رانا و سرافرازی یافتن او از آستاندوس درگاه والا
۲۲۱	ورود شاه بلند اقبال بظاهر دارالخلافه اکبر آباد و نزول در باغ دهرة ... انعقاد انجمن جلوس حضرت شاهجهان بادشاه غازی در دارالخلافه اکبر آباد
۲۲۳	حلیه مبارک
۲۳۴	بیان مصارف اوقات
۲۴۱	بذاء تاریخ شاهجهانی
۲۵۳	ذکر احکام و فرامین که بعد از جلوس نفاذ یافت
۲۵۷	فهرست اسامی آن سعادتمندان که در رکاب ظفر انتساب از مهدی ایام قدرت تا هنگام جلوس حاضر بودند
۲۶۳	تفصیل برخی از عنایات که در عذفوان جلوس نسبت بامروای حضور بظهور آمده
۲۶۵	بیان عزل و نصب بعضی از امرای عظام که هنگام جلوس به نگاهبانی صوبجات اشتغال داشتند
۲۷۰	استعداد یافتن شاهزادهای جوان بخت به ملازمت اشرف و کامگاری پذیرفتن آصف خان در رکاب سعادت شاهزادگان
۲۷۵	جشن نوروز سال اول جلوس مبارک
۲۸۲	در آمد شهر رمضان المبارک سال اول جلوس و وضع خیرات بتازگی درین ماه
۲۸۸	درین ماه

صفحه	عنوان
۲۸۹	انتقال شاهزاده لطف الله
۲۹۲	توکتاز نذر محمد خان والي بلخ بحوالي کابل و معاودت نمودن به کمال نومیدي و ذکر احوال او و برادرش امام قلبي خان والي توران
۳۱۰	اساس نهادن ايوان چهل ستون در صحن خاص و عام
۳۱۳	افتتاح مراسلت بدین درگاه از طرف ساير ملوک خصوص امام قلبي خان
۳۱۵	نقل نامه به امام قلبي خان والي توران
۳۱۸	توجه شهنشاه کشور کشا بصوب صیدگاه باري و تعیین پذیرفتن امرای نامدار بر جبهه بنديله
۳۲۳	ذکر نزول اجلال به قصبه گوالپار و تفرج قلعه نمودن و آزاد ساختن زندانیان و فیصل یافتن مهم جبهه سنگه
۳۳۰	آغاز دویمین سال جلوس حضرت ظل سبحاني
۳۳۳	رسیدن بحري بیگ برسم رسالت از جانب شاه عباس
۳۴۴	شرح احوال خان جهان لودي و رو تافتن او از قبله اقبال
۳۵۷	نقل نامه حضرت سلیمان مقامي به شاه صفي دارای ایران
۳۶۳	بیان محو آثار و رسوم بدعت که در میان طوایف افغانان سرحد کابل شیوع یافته بود
۳۶۵	نهضت آنحضرت به نفس نفیس برای گوشمال نظام الملک و خانجهان بصوب دکن
۳۷۰	آغاز سال سوم از جلوس

(ز)

صفحه	عنوان
۳۷۷	اشتعال یافتن فائز شورش افغانه تیراه و بنگش به شرارت کمال الدین روهیله و انطفاء آن به سعی دولتخواهان آن صوبه ...
۳۸۳	تفویض سرداری کل بدستور اعظم آصف خان و روانه شدن او به بالا گهات در مرتبه اول ...
۳۹۸	نومید شدن خانجهان و دریا خان و رفتن بسوی مالوه ...
۴۰۱	کشته شدن دریا خان بدست اولیای دولت ...
۴۰۹	فتح قلعه دهارور ...
۴۱۷	بیان شدت قحط و غلا و طاعون و وبا ...
۴۲۶	آغاز چارمین سال از جلوس مبارک ...
۴۲۹	ذکر فتوحات که بحسن سعی قلیچ خان در اله آباد روی نمود ...
۴۳۶	بیان کشایش قلعه قندهار دکن ...
۴۴۵	رحلت نواب قدسی القاب ممتاز الزمانی به ریاض رضوان ...
۴۵۹	ارسال آصف خان به بالا گهات بار دوم ...
۴۶۴	خصوصیات احوال موکب اقبال که بدالا گهات ارسال یافت ...
۴۷۵	آغاز سال پنجم از جلوس میمنت مانوس ...
۴۸۲	معاودت موکب سعادت قرین فتح و نصرت از دکن بصوب اکبر آباد ...
۴۹۳	بیان فتح هوگلی بندر بحسن سعی بهادر کذبو مدار علیه قاسم خان ...
۵۰۵	کشایش پذیرفتن قلعه کالند ...
۵۱۰	خواستگاری صبیحه سلطان پرویز برای بادشاهزاده دارا شکوه و ارسال رسم معهوده ساچق ...
۵۲۲	انتظام یافتن کریمه بادشاهزاده پرویز در سلک ازدواج سلطان دارا شکوه ...

صفحه	عنوان
۵۳۵	ارسال نامه و رسول از درگاه گیتی پناه نزد نذر محمد خان والی بلخ در جواب معذرت نامه که مصحوب وقاص حاجی ایلچی خود فرستاده ایلیچی خود فرستاده
۵۳۶	انعقاد انجمن عقد ازدواج میان شاهزاده محمد شجاع و کریمه سلسله صفیه صفویه
۵۴۳	احوال پایان این سال خصوص رفع بدعتی چند که در کشمیر وقوع پذیرفته بود
۵۴۶	آغاز سال ششم از جلوس مبارک
۵۵۰	مرسول شدن خواجه قاسم مخاطب به صفدر خان بجانب ایران ...
۵۵۴	حمله آوردن زنده پیل بر بادشاهزاده اورنگ زیب و ثبات قدم ورزیدن بادشاهزاده و برچه زدن در پیشانی آن پرخاش گر ...
۵۶۴	بیان چگونگی فتح حصار دولت آباد به حسن سعی مهابت خان و دیگر اولیای دولت
۶۱۴	توجه بادشاهزاده شاه شجاع بسمت جنوبی بآهنگ تسخیر بلاد دکن
۶۲۲	انتصاب پذیرفتن رایات موکب منصور بصوب پنجاب

عمل صالح

الموسوم به

شاهجہان نامہ

تصنیف

سید محمد صالح کنہو

بتصحیح

مولوی غلام یزدانی صاحب ایم . اے

ایم . آر . اے . ایس . (لندن)

پروفیسر عربی و فارسی گورنمنٹ کالج راجشاہی

الجزء الاول

بسم الله الرحمن الرحيم

دیباچه مصحح

تمهید

در زمانیکه بمحکمۀ آثار قدیمه سرکار هند موظف تحقیق السنه عربیه و فارسیه بودم - روزی اشاره عالی جناب فضیلت مآب جان هیوبرت مارشل صاحب سی - آئی - ات دیرکتور جنرل محکمۀ موصوفه بدین معنی رفت - که اگر کتاب عمل صالح نه کاملترین تاریخ عهد حضرت شاهجهان بادشاه غازی از تصنیف محمد صالح کذبو است بتصحیح و تحشی این بنده زیور انطباع پذیرد خیلی زیبا بود - زیراکه باوجود متعدد بودن کتب تاریخ زمان حضرت شاهجهان بادشاه کتابیکه بر جمله احوال عهدش از ولادت تا وفات محتوی و جامع باشد جزین نامه فامی نیست - و شهرت و قبولیتی که این کتاب را بوجه صدق بیان و درستی اتیان حاصل شده احتیاج شرح ندارد - چنانچه در اکثر تواریخ معتبره متاخرین حواله باین کتاب رفته است - چون امر آن عالی جناب خالی از حکمت نبود کمز همت بر اتمام این کار بستم - و از ایشیاتک سوسائیتی بنگاله استفسار نمودم که اگر ایشان بسلسلۀ بیلیدوتھیکا اندیکا متکفل اشاعت این نسخه بدیعه می توانند شد - آن جماعه افاضل که در احیا و ترویج علوم و فنون آسیا همیشه سرگرم کاراند - تحریک من بنده را برغبتی تمام قبول نموده فرمودند و متن را بترجمه مختصر در زبان انگلیسیه که از تبلیغ و ترصیح کلام

فارسی مرئی و منقوی و به مقاصد و مطالب محلی و مطری باشد صورت
انتظام دهم - الحمد لله که امروز جلد اول از آن کتاب مستطاب هدیه ناظرین
شود - آهی حسن سعی قبول کناد *

احوال مصنف

احوال مصنف از هیچ کذاب آن عهد بدریافت نمی رسد - و در فاتحه
عمل صالح نیز جزین که " کمترین داعیان دولت ابد پیوند بوده " چیزی
درین باب مستطور نیست - لیکن از احوال شیخ عنایت الله مصنف
بهار دانش و از ذکر مولانا ابوالبرکات المتخلص بمذیر که در خاتمه کتاب درج
است از موفجی بدست می آید - چنانچه معلوم می شود - که مواد
و منشأش خاک پاک خطه لاهور است - و در عهد طفولیت بزیر تربیت
شیخ عنایت الله مانده - و کسب علوم هم از آن ممدوح نموده - میگویند
که ملا مذیر را بمصنف کمال شغف بود - و مدتی بیک جا بسر بردند *

در تاریخ هند ایلیت صاحب پروفیسر داسن مصنف را با
میر محمد صالح خوشنویس^(۱) پسر میر عبد الله مشکین قلم که بفارسی
کشفی تخلص می کرد خلط ملط کرده است چنانچه میگوید *

" درین امر هیچ شک نیست که محمد صالح همان کس است
که خود را باین نام در کتاب خود بزمره خوشنویسان نوشته " (۲)

(۱) برای مزید حالات خوشنویس مذکور ببینید صفحات ۱۴۰ و ۵۰۵ و ۵۵۵

۶۷۹ - بادشاهنامه عبد الحمید لاهوری جلد دوم - طبع ببلیوتیکا اندیکا *

(۲) ملاحظه کنید تاریخ هند ایلیمت صاحب - جلد هفتم - صفحه ۲۳ *

حالانکه وفات خوشنویس مذکور در عمل صالح بذکر وقایع سال بیست و چهارم جلوس والا مطابق سنه هزار و شصت هجری مندرج است -
 پروفیسر موصوف را این خیال غالب ازین قول کرفیل ایس پیدا شده که
 در باب بادشاهنامه عبدالحمید لاهوری در جرنل روائل ایشیائک سوسائیتی
 (جلد سوم سلسله جدید) رقم یافته *

” نسخه جلد دوم بادشاهنامه که برای طبع ببلیوتیکا انڈیکا مستعمل
 شده بهترین نسخه قلمی است که بنظر آمده - از قام محمد صالح کذبو (۱)
 مصنف عمل صالح نگارش پذیرفته - و بر حاشیه دستخط شاهجهان
 بادشاه دارد “ *

(۱) در باب اصلیت این قوم حکایات عجیبه و روایات غریبه بر السنه مردم
 جاری است - چنانچه در میان اهل اسلام مشهور است - که اگر شخصی سید النجب
 بزنی کناس متأهل شود - اولاد کذبو (کم بو) باشد - گویا بوی کناسی از آمیزش
 سادات کم شده - یا خوشبوی سادات از امتزاج کناسی کم گردیده - جماعتی دیگر
 می گویند - که چون در ابتدا تعداد ایشان قلیل بود - نظر بر آن ایشانرا کم بو گفتند -
 باین معنی که بوی شان در میان خلق نادر است - لیکن این همه اقوال لغو و پوچ
 است و رزائی ندارد - مولانا شیخ زین العابدین - مادری مولانا شیخ عبدالحق
 محدث دهلوی که باز جد مادری راقم الحروف می باشد در کتاب خود مصباح المعارفین
 می نویسد - که در لفظ کذبو واو نسبت است منسوب به کذب چون واو مندو - و کذب
 شهرت نزد عربین - باشندگان آن شهر اعم ازینکه مسلمان باشند یا بت پرست بآن
 لقب ملقب شدند *

در بعضی کتب تاریخ نوشته شده که کنبایه بالضم نام دریای است در شمال سمردند -
 و آبادیها که بر کنار آن دریا واقع شده بهمین اسم موسوم شد - چنانکه جهام نام
 دریای است و هم نام شهری که بر لب آن دریا واقع است - در زمانی سادات و شوخ از
 عرب و بغداد آنجا سکونت اختیار نمودند - و بعد مرور قرون و دهور چون بهادوستان
 رو نهادند - این لقب را همراه خود شان آوردند - علاوه ازین اقوال از قریفه
 این شعر نیز

[بقیه حاشیه صفحه ۳]

* بدت *

اگر قحط الرجال افند ازین سه انس کم گیری

یکی افغان دوم کدو سوم بد ذات کشمیری

که در باب سوء خلق این قوم در عیان مردم مشهور است این امر واضح میگردد که کدو مثل کشمیری و افغان لقب مقامی است نه که ذاتی و صفاتی - و از تحقیق جداد مردم شماری که در ذیل درج است معلوم می شود که اصل این قوم اغلب از سرزمینی است که در مضافات پنجاب واقع است - زیرا که اکثر افراد این قوم به پنجاب سکونت دارند - و آنکه در صوبه پنجاب متحد آباد است - در آن اضلاع مستند که به پنجاب ملحق است - درین صورت قول مولانا شیخ زین العابدین قرین صواب معلوم می شود - که کدو مثل هندو اسم نسبت است منسوب به کلب *

بکنه لطیفه ایذکه صودر دهرم شاستر خود (باب دهم - اشوک ۴ و ۴۴)
 ذکر بعضی فوقهای کهتری میکند - و فوقه که بسلسله ترتیب چهارم بدت افتاده که بدوج است - و تعجب نیست که این طایفه اسلاف و اجداد کدوی زمان حال باشند - ازین وجه که آن نوع قوم کدو که به مذهب هندو تعلق دارد بالکلیه کهتری است - در باب اسقاط حرف جیم می توانیم گفت که بسبب کثرت استعمال واقع شده - مستشرقین زمان حال از سیاق عبارات کتب قدیمه سکرت سند گرفته و طبق مآلوف طایفه کدو را در کوه هندوکش قرار داده اند - که وادی گلگت را از باغ جدا می سازد و ثابت می رسد - چنانچه گرنوسن در جرنل روائل ایشیا تک سوسائیتی (بابته جولائی سنه ۱۹۱۲ع صفحه ۸۰۱) این طایفه را یکی از اقوام شمال غرب هند بیان می کند - و گوید که لغت شان به سنسکرت و ایرانی آمیزش داشت - موسیو فاوچر بنابر روایات ملک نیدال ثبت را که بدوج دیس می پذیرد - و رایش بسیار تفاوت ندارد - اما وراهمدیها در برهت سمهتا (باب چهاردهم - آیت ۱۷) کامبوج دیس را در ممالک جنوب مغرب شمار می کند - غالباً بذای قولش این است - که کامبوج در دهرم شاستر منو و هری و شا و مذاذاه اشوکا (شماره ۱۳ - ۲۵۹ سال قبل از مسیح) به قومی دیگر که جوانا نام دارد مسطور شده - و چون موخرالذکر باشندگان غرب و جنوب غرب بودند - وراهمدیها طایفه کدو را نیز متوطن ممالک جنوب مغرب شمرد *

من بنده برای تحقیق نسخه مذکوره را خون بامعان نظر در کتابخانه ایشیاتک سوسائیتی بدگاه ملاحظه نمودم - و یافتم که در آخر کتاب نام کاتب فقط " محمد صالح الکاتب " درج است - اکنون بفهم نمی آید که کرنیل لیس بر چه بنا محمد صالح الکاتب را محمد صالح کذبو قرار داده است - از مطالعه کتب تاریخ آن عهد چنین معلوم می شود - که محمد صالح الکاتب یا میر محمد صالح خوشنویس پسر میر عبد الله مشکین رقم است - زیرا که در سده هزار و پنجاه و شش هجری خدمت داروغگی کتابخانه معلی از تعمیر رشیدای خوشنویس باو مفروض شده بود -

[بقیه حاشیه صفحه ۳]

تفصیل جد اول مردم شماری

(کتب) کل تعداد = ۱۸۳۵۷۳

تقسیم بلحاظ مذهب

۶۳۱۲۸	=	هند
۴۳۸۸۹	=	سکھ
<u>۷۶۴۵۶</u>	=	مسلمان
۱۸۳۵۷۳		

تقسیم بلحاظ صوبجات

۱۷۴۰۹۸	=	پنجاب
۳۶	=	باوچستان
۲	=	کشمیر
۹۱۴۳۲	=	صوبجات متحده
<u>۵</u>	=	جزائر الدمان
۱۸۳۵۷۳		

[ملاحظه کنید مردم شماری هند سنه ۱۹۰۱ میلادی - حصه دوم (جداول)

مؤلفه ایچ - ایچ - رزلی - د ای - اے - گیت] *

و ممکن که باین حیثیت نقل کتب هم برای کتابخانه شاهي مي کرد -
یا میر محمد صالح (۱) برادر روشن قلم است - که پس از وفات برادر
موصوفش بجای او بخدمت فرمان نویسی سوافراز گشت - و این نسخه
را حسب ایامی حضرت صاحبقران ثانی نوشته باشد *

مورخین زمانه حال شیخ عنایت الله را علی حسب اختلاف
الروایات هم زلف و برادر حقیقی مصنف می خوانند - لیکن از مطالعه
عمل صالح معلوم می شود که قول آن جماعت که شیخ موصوف را برادر
حقیقی محمد صالح می گوید درست نیست - زیرا که مصنف اسمش
را در هر جا با لقب آل محمد زینت می دهد - که فقط سادات را نوشتن
جایز است - و عنایت الله را بهر مقام شیخ عنایت الله نوشته است -
مورخین را این غلط فهمی غالب از لفظ برادر کلان واقع شده که مصنف
بآن شیخ موصوف را در هر جا خطاب می کند - لیکن در معازره فارسی
خطاب برادر عام است - و اطلاقش بر برادر حقیقی و عمزاده و هم زلف
یکسان می باشد *

(۱) میر محمد صالح فرمان نویس و میر محمد صالح خوشنویس داروغه
کتابخانه معلی هر دو جداگانه کس بودند - و مناصب ایشان در عمل صالح جداگانه
درج است - چنانچه میر محمد صالح فرمان نویس بمنصب پانصدی بدست سوار
سوافراز بود - و میر صالح داروغه کتابخانه بمنصب نهصدی صد سوار - میر محمد صالح
فرمان نویس و محمد صالح کاتب را هم یک کس قیاس کردن درست نیست - زیرا که
اگر چنین بودی ذکر روشن قلم مثل ذکر شیخ عنایت الله که هیچ خطاب نداشت
و باز دو بار به بسیار شرح و بسط رقم شده است بالضرور در عمل صالح نگارش یافتی -
علاوه ازین ذکر تفویض خدمت فرمان نویسی که بپادشاهنامه عبد الحمید درج است
در عمل صالح نیز رقم شدی - والله اعلم بالصواب *

میگویند که محمد صالح در دفتر معلمی شاهي سلسله ملازمت داشت -
 و علاوه از عمل صالح کتابی دیگر موسوم به بهار سخن (۱) هم نتیجتاً طبع و قلم
 اوست - این کتاب بر چهار چمن مشتمل است - چمن اول - در مکاتیب
 بادشاهان و امرا - چمن دوم - در رفات - چمن سوم - در توصیف عمارات
 آگره و شاهجهان آباد و لاهور - چمن چهارم - در تقریظات کتب - از دیباچه
 معلوم می شود که مولانا ابوالبرکات مفیر مسودات این کتاب را که در اوراق
 منتشره صورت پراگندگی داشت خواست که در یک شیرازة جمع آورد -
 اما اجل مهلت نداد - و آخر الامر محمد صالح خود آن اوراق پریشان را
 در سنه هزار و هفتاد و سه هجری ترتیب داده به بهار سخن موسوم کرد -
 درین گلدسته مصنف داد رنگین کلامی و سخن آرائی داده است - و جواهر
 زواهر مضامین گوناگون بر صفحات قرطاس ریخته *

تاریخ ولادت مصنف بتحقیق نه پیوست - و در باب وفاتش نیز اقوال
 مختلف است - چنانچه سید محمد لطیف در تاریخ لاهور صفحه ۲۰۹
 می نویسد - که محمد صالح در سنه هزار و هشتاد و پنج رحلت نمود -
 صاحب تحقیقات چشتی (۲) وفات مصنف را ده سال قبل از آن بیان
 می کند - و گوید که محمد صالح در سنه هزار و هفتاد و پنج وفات یافت
 لیکن قولش درست نیست - چرا که مصنف در عمل صالح ذکر وفات
 شیخ عنایت الله که در سنه هزار و هشتاد هجری واقع شده نموده است -
 درین صورت رحلت کردن او در سنه هزار و هفتاد و پنج خلاف از عقل

(۱) این کتاب هنوز چاپ نشده است - نسخه قلمبش که بظنم رسیده ملک
 مولوی محمد شعیب نائب مباشر آثار قدیمه اسلامیة پنجاب و صوبجات متحده
 است - تقریباً چهار پنج صد صفحه ضخامت دارد *

(۲) ملاحظه کنید - تحقیقات چشتی - صفحه ۵۹۲ - طبع لاهور (وطن) *

است - علاوه ازین اقوال از عبارتی که در اختتام نسخه پبلک لائبریری لاهور درج است - و اینجا بجنسه نقل می شود بظهور می رسد - که رشته حیات مصنف تا سنه یازده عد و بیست هجری منقطع نه گردیده بود *

نقل عبارت

ختم شد نسخه عمل صالح من تصنیف جامع الکمالات صوری و معنوی میان محمد صالح سلمه الله روز یکشنبه بتاریخ بیست و هفتم صفر سنه ۳ جلوس والا مطابق سنه ۱۱۲۰ هجری *

درین عبارت جمله سلمه الله برین معنی دال است - که مصنف تا زمان تحریر این نسخه زنده بود - انفون درین صورت که از عبارت تاریخ لاهور این امر منکشف نمی گردد - که آیا مصنف تاریخ وفات بظاہر روایات مقامی نوشته است - یا از دیگر کتب تاریخ نقل کرده - من بنده را در قرار دادن این امر نه قول محمد لطیف " حدیث صحیح " است - و عبارت نسخه پبلک لائبریری لاهور مرزه و هندیان - قدری تامل است - زیرا که اگر مصنف تاریخ لاهور تاریخ وفات محمد صالح را فقط بر بنای روایات مقامی نوشته است - قولش در مقابله عبارت نسخه پبلک لائبریری لاهور واقعی ندارد - و اگر از دیگر کتب معتبره تاریخ نقل کرده است - نگارش عبارت نسخه لاهور بر سهو کاتب محمول می توان شد *

در لاهور مسجدی خورد بغایت دلپسند اساس بنا کرده مصنف هنوز موجود است - این عبادتگاه اندرون موجی دروازه به لب سه راه واقع است و کار چینی بسیار خوب دارد - گویند که مکان سکنی محمد صالح معاذمی این مسجد بود - بر در مسجد این کتبه نوشته است *

* کتبه *

بانی این مسجد زیبا بنده آل محمد صالح است

سنه یک هزار و هفتاد هجری

بر محاریب مسجد بسیار کتبها از نظم و نثر و آیه های قرانی بکار
چینی نگاشته است - مقصود ازینها حمد و سپاس خدا و نعت مصطفی
و تعریف مسجد زیبا است - از کتبه نثر چنان هویدا می شود - که تعمیر
مسجد در سنه هزار و هفتاد و نه به تکمیل رسید *

نقل کتبه نثر

بحسن سعی فدوی آل محمد صالح در سال هزار و هفتاد و نه هجری
صورت اندام یافت *

محمد صالح در مقبره ده از سنگ سرخ بنا یافته است دفن شد -
این مقبره تا حال بیرون کوچی دروازه لاهور موجود است - و به اسم کذبو
والا مقبره شهرت دارد *

تاریخ نگارش کتاب

اگرچه مصنف در دیباچه می گوید - " در سال هزار و هفتاد هجری
از چمن آرائی این گلشن فیض فرائع کلی یافته سر رفعت باوج سپهر میثا
برافراختم " - لیکن این قول درست نیست - چرا که اول در کتاب واقعات
عهد حضرت شاهجهان بادشاه تا سنه هزار و هفتاد و شش هجری مسلسل
درج است - علاوه ازین مصنف در احوال برادرش شیخ عنایت الله
می نویسد *

” آن مجمع کمالات انسانی که موبی و ولی نعمت صوری و معنوی این بنده بود - و در سخن سرائی و معنی آرائی ید بیضا می نمود - و از عهد طفولیت تا الیوم توجه والا بتربیت این ذره بی مقدار مصروف داشته همه وقت چهره شاهد کلام را بغازه اصلاح می آراست - و صورت معنی از آئینه سخن باحسن وجهی نمودار می ساخت - نصیب و تقدیر پیش از آنکه این کتاب مستطاب بنظر اصلاحش رسد - و از پرتو نظر فیض اثرش عبارت را رتبه و معنی را کمال حاصل آید - روز پنجشنبه نوزدهم جمادی الاولی که تاریخ تولد مبارکش نیز همین بود - در سن شصت و پنج سال قمری و هزار و هشتاد هجری رحلت بر اقامت گزیده منوجه خلد برین گشت * ”

ازین عبارت واضح است که کتاب قاسمه هزار و هشتاد هجری ختم نسده بود - درین صورت معلوم می شود که اول محمد صالح سوانح ایام دولت حضرت شاهجهان بادشاه تا سنه هزار و هفتاد هجری قلم بند کرده بود - و کتاب را در آن سنه ختم نموده لطیفه فیض الهی تاریخ امامش یافته - لیکن چون آن بادشاه عالی جاه رحلت گواهی عالم بالا شد - مصنف احوال سزین ما بعد را اضافه نموده این نامه گواهی را صورت تکمیل داد - و دیباچه چنانکه در اول بود بهمان طور بوقرار ماند *

ماخذ کتاب

سلاطین مغلیه را همیشه شوق علم تاریخ بوده - چنانچه اکثر تاجداران این سلسله نامدار خود وقایع عهد شان نوشته اند - و بعض این خدمت را به مدنیان بلاغت شعار سپرده - حضرت شاهجهان بادشاه را هم این خیال پیدا شد که تاریخ عهدش بطرز تاریخ جد بزرگوارش حضرت عرش آشیانی

اکبر بادشاه که نتیجهٔ قلم اعجاز رقم شیخ ابوالفضل است تدوین یابد -
بنابراین اول خدمت نگارش بادشاهنامه به میرزا امینا قزوینی که در
فن افشای طولی داشت تفویض یافت - و آن منشی معنی پرداز احوال
ده سال اول عهد حضرت صاحبقران ثانی را مع دیباچه که بر احوال ایام
شاهزادگی از یوم ولادت سعید تا تخت نشینی مبارک مشتمل است -
و قلمه که در آن ذکر مشاهیر آن زمان از سادات و مشایخ و علما و فضلا
و شعرا و اطبا درج است - تقریب داده در سنه بیست جلوس والا از
نظر اشرف گذرانید - محمد صالح احوال شاهزادگی حضرت شاهجهان
بادشاه ازین کتاب اخذ کرده است (۱) - و در نگاشتن وقایع ده سال اول هم
از آن مستفید شده *

چون میرزا امینا تاریخ شاهجهانی ده ساله بنظر اقدس حضرت بادشاه
گذرانیده بود - حاضران موقف اعلیٰ بعرض رسانیدند - که منشی بی بدل
ملا عبد الحمید نام که روش سخن سرائی از کلام شیخ ابوالفضل فرا گرفته
و از فیض صحبت آن قدوة اهل سخن بهره تمام اندوخته - اکفون دل رمیده
را از اختلاط این و آن و خاطر شوریده را از ارتباط فلان و بهمان را پرداخته
در معموره پتله بزایه تنهایی و پیغوله بی نوائی در ساخته است
اگر خدمت نگارش معالی و مکارم این دولت والا بدر باز گذاشته آید -
هرآئینه این قالیف منیف و تصنیف شریف به نهجی که در خاطر

(۱) سوانح این ایام در کتابی دیگر که به اسم " احوال شاهزادگی حضرت
شاهجهان بادشاه " مشهور است - و نود بعض به اعتماد خان مصنف اقبالنامه
جهانگیری نسبت دارد - بکمال شرح و تفصیل نگارش یافته - از سیاق عبارت
عمل صالح چنان معلوم می شود که مصنف ازین کتاب هم استفاده کرده است .

دوربین صواب گزین مرفوز است نگاشته شود (۱) - بادشاه علم دوست بمعجزه
استماع این امر فرمانی در طلب ملا عبد الحمید بنظم پنده فرستاد - و چون
او بدرگاه والا آمده بسعدت زمین بوس رسید - خدمت نگارش بادشاهنامه
از میوزا امینا منتقل شده به ملا عبد الحمید سپرد شد - و میوزای مذکور
بخدمت جمع وقایع سر افرازی یافت *

ملا عبد الحمید انتظام اکبر نامه را پیش نظر نهاده احوال بیست سال
عهد حضرت شاهجهان بادشاه در دو مجلد ترتیب داده است - و طرز
استاد فاضلش را به تدبیر آن در جمیع امور طرازی بخشیده - چنانچه
باوجود عذوبت الفاظ و رنگینگی بیان هیچ جا پا از جاده متانت بیرون
نگذاشته - و در آرایش عبارات و پیرایش استعارات سر رشته معنی را از
دست نداده - این نامه گرامی جامع ترین و معتبر ترین تاریخ اول
بیست سال عهد حضرت صاحبقران ثانی است - و جمله تاریخ نویسان
آن عهد ازین استفاده کرده اند - و محمد صالح هم ازین کتاب مستطاب
زله ربائی نموده *

در سنه هزار و شصت و پنج هجری چون ملا عبد الحمید بوجه
کبر سن ازین جهان رحلت نمود - خدمت نگارش بادشاهنامه به
محمد وارث که از فیضان تعلیم ملا بهره کامل گرفته بود تفویض یافت -
محمد وارث احوال ده سال آخر عهد حضرت شاهجهان بادشاه را بطرز
و روش بادشاهنامه عبد الحمید نوشته است - و باین طور کتاب استانش را
مکمل نموده - چون این تاریخ پیشتر از عمل صالح بدوین آمد یمن
که مصنف علاوه از معلومات خود ازین کتاب هم مستفید شده باشد *

(۱) ملاحظه کنید - بادشاهنامه عبد الحمید لاهوری جلد اول - حصه اول -

چون درین تاریخ نامها بواسطه مبالغه در استعارات و تشبیهات و اطناب و اطالت در الفاظ و عبارات خاطر خواننده از فهمیدن مقاصد و ادراک مطالب باز می ماند - محمد طاهر را که بخطاب عنایت خانی سرافراز بود این خیال پیدا شد - که سوانح عهد حضرت صاحبقران ثانی را کسوت نو پوشانیده بمناظر عبارات سهل و اصطلاحات روشن جلوه دهد - چنانچه مصنف آن همه واقعات را که در سه جلد بادشاهنامه مسطور شده است اختصار نموده در یک جلد جا داده است و کتابش را ملخص نام نهاده - چون این تاریخ نامه در همان زمان بنگارش آمد که محمد صالح کتابش را می نوشت - بنابراین آن بوثوق نمی توانیم گفت که مصنف عمل صالح ازین کتاب بچه حد بهره اندوز شده *

علاوه ازین کتب که ذکر آنها بالا گذشت - چند کتاب دیگر هم در زمان حضرت شاهجهان بادشاه نوشته شد که بر احوال آن بادشاه مشتمل است - چنانچه یکی از آن تاریخ دلکشا است از تصنیف شیخ عنایت الله لاهوری که در آن احوال آبا و اجداد حضرت صاحبقران ثانی از زمان آدم تا انتهای عهد آن سلطان درج است - چونکه عمل صالح بعد ازین همه کتب بنگارش آمد - لهذا مصنف از آنها تا حدی استفاده کرده است *

طرز انشای کتاب

در باب انشاء این کتاب همین گفتن کفایت کند که مثل دیگر تاریخ نامهای آن زمان نوشته شد - چنانچه در ابتدای هر بیان تمهیدی طویل الذیل می آید - که بالفاظ مشکله و عبارات غریبه آراستگی دارد - کثرت الفاظ که آنرا قدردانان این طرز آمد طبیعت می گفتند در مطالب